

نوروز اقوام ایرانی در کوچه‌های مشهد

در سفری یک‌روزه به محلات مشهد، با آداب و رسوم نوروزی ایران آشنا شوید



عکس: سیدمسکینی/تهران

تشکیل می‌دهند. گرچه دیگر مانند همشهری‌های سابقشان، نوروز را با شعرخوانی عروسک «تکم» جشن نمی‌گیرند. هنوز قدری از آیین گذشتگان خود را گرمی می‌دارند. آیین خنجه‌ی برون در چهارشنبه‌سوری دیگر رسم قدیمی این قوم است. به این صورت که پدر و مادری که دختر عروس کرده‌اند، در این شب خنجه‌ی بزرگی شامل شام و شیرینی به خانه دخترشان می‌فرستند. درست کردن دلمه برگ مو در زمان سال تحویل، یکی دیگر از آیین‌های نوروزی آذری‌هاست. آن‌ها معتقدند که اگر بوی دلمه در زمان تحویل سال در خانه بپیچد، آن سال پریمی‌همان خواهد شد.

سالی پر رونق با خوردن «چلبک»

زابلی‌ها، سیستانی‌ها و بلوچ‌ها در برهه‌های مختلف زمانی به دلیل خشک‌سالی و برخی نیز به دلایل اقتصادی به مشهد مهاجرت کردند و در محله‌های شهرک شهید رجایی، شهرک باهنر، اسماعیل‌آباد، کلاته برقی (بولوار شاه‌نامه)، کوی امیر و محمدآباد ساکن شدند. این گروه جزو معدود اقوامی هستند که ارتباطات قومی و لباس محلی خود را حفظ کرده‌اند. به انجام رسوم و آیین‌های شهر خود پایبندند و هنوز نزدیک یکدیگر و در همین محله‌ها زندگی می‌کنند. جشن بهارگاهی، بهارچرانی (بردن گوسفندان با پشم‌های رنگ‌شده به صحرا)، هلک‌لدیی (جابه‌جایی چادر عشایر) و کاشت درخت خرما (هدیه دادن نهال نخل به کودکان) جزو رسوم نوروزی است که هنوز در محدوده سیستان و بلوچستان رایج است. اما در مشهد به دلیل نبود قابلیت اجرا از یادها رفته است. با این حال هنوز برخی رسوم که نیاز به فضای خاصی ندارد، نزد سیستانی‌ها به قوت خود برجاست؛ «نزدیک عید، نوعی نان روغنی به نام «چلبک» درست می‌کنیم. کلوچه خرمایی، یکی دیگر از شیرینی‌های پای سفره هفت‌سین ماست. همچنین در بهار از کوه و دشت، شلغم (اسفناج) جمع می‌کنیم و نانی مثلثی شکل به نام «بورگ» درست می‌کنیم.» تجکی یاسمنی سیستانی، یکی دیگر از غذاهایی است که دسته‌جمعی و برای سفره هفت‌سین تهیه می‌شود. جالب است بدانید چنده‌سالی می‌شود که جشن نوروز کمتر در میان قوم بلوچ جدی گرفته می‌شود. برگزارچی جشن‌های مذهبی فطر و قربان برای بلوچستانی‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این حال هنوز آن‌ها برخی آداب و رسوم پیشینیان خود را حفظ کرده‌اند. «سرمه‌سایی» یکی از آیین‌هاست که مردان و زنان بلوچ، اهتمام جدی به اجرای آن دارند. آن‌ها معتقدند سرمه به افزایش سوی چشم کمک می‌کند و برای بینایی خوب است. زنان بلوچ، سنگ سرمه را روی سنگی که وسط آن گود است، می‌سایند و در روز اول بهار این سرمه‌ها را به دختران و پسران هدیه می‌دهند. گرچه سرمه‌سایی اکنون دیگر در مشهد اجرامی‌شود، بسته‌های آماده آن در بازار تاج‌آباد مشهد پرتول‌فادار است.

یک بده‌بستان خوشمزه

قرار دادن سیستانی‌ها، زابلی‌ها و بلوچ‌ها در یک گروه، شاید چندان صحیح نباشد؛ زیرا با وجود اشتراکات زیاد (به ویژه از نگاه بیرونی)، تفاوت‌های بسیاری میان این و آداب و رسوم اهالی محدوده سرحد (زاهدانی‌ها و به عبارتی

سیستانی‌ها و زابلی‌ها) با مگرانی‌ها (چابهار‌ها و سراوانی‌ها و بلوچ‌ها) وجود دارد، با این حال این اقوام سال‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنند و دادوستدهای فراوانی با هم دارند. یکی از این بده‌بستان‌های خوشمزه در نوروز انجام می‌شود؛ سیستانی‌های دامدار، روز اول بهار، کره و خامه‌هایشان را به روغن حیوانی تبدیل می‌کنند و تقاله و ته‌مانده آن را با آرد گندم و ذرت خردشده و خرمایی که دوستان و آشنایان مکرانی به‌عنوان هدیه نوروزی و عیدی فرستاده‌اند، مخلوط و حلوايي مخصوص به نام «مذر» درست می‌کنند و سپس مقداری از این حلوا را به‌عنوان عیدی نوروزی برای دوستان و آشنایان مکرانی خود می‌فرستند.

آمال و آرزوهای «هفده مال» زیر یک سنگ

کرمانج‌ها که در دوره‌های مختلف تاریخی، شاهان صفوی و افشاری برای محافظت از مرزهای شرقی آن‌ها را از غرب کشور، کوچاندند، سال‌هاست بخش بزرگی از جمعیت شهرهای مختلف استان‌های خراسان را تشکیل می‌دهند. مشهد نیز از شهرهایی است که میریان جمع‌ی زیادی از کرمانج‌هاست. بیشتر کرمانج‌های مشهد که هنوز اقوامی در قوچان و شیروان دارند، به دلیل سهولت در رفت‌وآمد به این شهرها، در محلات غربی و جنوب‌غربی مشهد همچون محدوده قاسم‌آباد، الهیه، امام‌هادی^۱، ابراهیم‌آباد، نوده، فردوسی (کلاته‌کرده‌ها) و وکیل‌آباد سکونت دارند.

گرچه سال‌هاست کرمانج‌های مقیم مشهد گراس (پیراهن)، شیلوار (دامن پرچین زنانه) و شلار (شلوار مردانه) خود را کنار گذاشته‌اند و این لباس‌های پرنرنگ و لعاب‌شان را در کوچه‌وخیابان‌های شهر نمی‌پوشند، رسم و رسوم نوروزی پیشینیان خود همچنان در صندوق خانه قلبشان حفظ کرده‌اند. هوه‌مال یکی از آیین رسم‌هاست، «هوه در زبان کردی به معنای هفده و مال به معنای خانه است. هفده مال، یعنی هفده روز مانده به نوروز در این روز کرمانج‌ها به دشت می‌روند و هر کدام سنگی را نشانی می‌کنند. آن‌ها بعد از سال تحویل به سراغ سنگ‌های نشان‌نشان کرده‌شان باز می‌گردند. زیر سنگ هر کسی سبزه روییده باشد، نشانه سالی پربرکت برای اوست.

عید علفه یکی از جشن‌های باستانی ایرانیان است که هنوز نزد کرمانج‌ها گرمی داشته می‌شود. در آیین عید که پنجشنبه آخر سال برگزار می‌شده است، ایرانیان با بردن بخشی از شیرینی و میوه سفره هفت‌سینشان بر سر مزار درگذشتگان، به نوعی این خوراکی‌ها را با نیازمندان به اشتراک می‌گذاشتند تا سفره نوروزی آن‌ها نیز خالی نماند.

در آیین ایام، کرمانج‌ها با پخت نوعی خوراک، عید علفه را برگزار می‌کنند؛ کسانی که وضع مالی خوبی دارند، «چومه» را که نانی روغنی شبیه روغن جوشی مشهدی‌هاست، بر سر مزار خیرات می‌کنند و افرادی هم که وضع مالی‌شان چندان خوب نیست، «سوزمه» که نان و ماست است، توزیع می‌کنند.

غذای چهارشنبه‌سوری کرمانج‌ها، آش است اما آشی یا یک دانه خاص؛ کرمانج‌های عشایر کلات معمولاً در شب چهارشنبه‌سوری، نوعی آش به نام «دانو»، می‌پزند که محتویات آن، گندم، نخود، عدس و ادویه‌هاست. بخش جذاب این آش، نه خود غذا



اخبار
قدیم

تعلیم زبان انگلیسی در رادیو



هما سعادت‌مند! ۳۱ فروردین ۱۳۲۳ خورشیدی روزنامه آزادی خبری چاپ و منتشر می‌کند که برپایه آن قرار است هرشب در رادیو، برنامه آموزش و تدریس زبان انگلیسی پخش شود تا آنان که توانایی ثبت‌نام در کلاس یا گرفتن معلم خصوصی را ندارند، با این برنامه، انگلیسی صحبت کردن را بیاموزند. جالب اینکه دفتر انتشارات سرکنسولگری دولت انگلیس در مشهد، پیش از پخش این برنامه، کتاچه‌هایی را چاپ می‌کند و در چند کتاب‌فروشی دردسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهد و آدرس آن را هم در جراید آگهی می‌کند. مشروح خبر چنین است: «به منظور تسهیل آموختن زبان انگلیسی، اخیراً از طرف انجمن فرهنگی ایران و انگلیس، خودآموزی چاپ شده است که شب‌ها و در ساعت‌های معین، به وسیله رادیو تدریس خواهد شد. نمونه خودآموز نام‌برده در بنگاه مطبوعات برومند، خیابان پهلوی، موجود است. آقایانی که مایل به سفارش قبلی برای تهیه هستند، به مراجعه به بنگاه مذکور می‌توانند از رادیوهای منازل خود یا دوستان، زبان انگلیسی را به آسانی و تنها با خرید یک جلد خودآموز فراگیرند.»

در ادامه خبر هم آمده است: «برنامه تدریس زبان انگلیسی به وسیله رادیو شامل دودوره به قرار ذیل خواهد بود: دروسی که در روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه داده خواهد شد. احتیاج به کتاب خواهد داشت؛ البته در سه هفته اول، تشریحات مقدماتی خواهد بود که لزومی به کتاب نیست. دوره ثانوی نیز که از مقدماتی بالاتر است، روزهای سه‌شنبه و پنجشنبه و یکشنبه خواهد بود و کتاب لازم ندارد. سلسله‌گفتارهایی به نام «زندگانی خانوادگی انگلیسی» و موضوعات مخصوصی به وسیله رادیو گفته خواهد شد. مدت تدریس در شب‌ها، پانزده دقیقه، بین ساعت ۱۵:۲۰ تا ساعت ۲۱ و بر روی امواج ۲۳۵ و ۷/۴۸ کیلو هرتز خواهد بود که بعداً آگهی خواهد شد. آقایانی که مایل به استفاده از رادیوی قرائت‌خانه پیروزی باشند، نیز با اطلاع قبلی می‌توانند مراجعه فرمایند؛ دفتر انتشارات سرکنسولگری دولت انگلیس در مشهد.»

مشاغل
قدیمی

تسبیح سازی در مشهد قدیم



سعیده ساجدی‌نیا! مشهد به دلیل وجود مزار مطهر امام‌رضا^ع از قدیم یک شهر مذهبی و دارای احترام بوده است. پرواضح است که وجود این موهبت، سبب ایجاد تفاوت‌هایی در آن با سایر ولایات ایران می‌شده است. یکی از این تفاوت‌ها وجود مشاغل در آن بوده که در دیگر شهرها و آبادی‌ها صلا‌نبوده یا کمتر دیده می‌شده است؛ البته مشاغل نیز وجود داشتند که علاوه بر ارض‌اقدس در همه نقاط ایران یافت می‌شدند. در سطرهای بعدی، چند نوع از این مشاغل را معرفی می‌کنیم.

تسبیح‌ساز

تسبیح‌سازی از مشاغل رایج در مشهد قدیم بود و تسبیح‌ساز به کسی می‌گفتند که شغلش، ساختن دانه تسبیح یا به نخ کشیدن دانه‌های ازیش ساخته‌شده بود. تسبیح، دانه‌های به‌نخ‌کشیده‌ای است که تا هنوز هم برای محاسبه اذکار و اوراد و استخاره و... استفاده می‌شود و انواع مختلف دارد: تربت، گلی، سنگی، چوبی، هسته آلبالو، عقیق، فیروزه و مروارید و... ساده‌ترین و فراوان‌ترین نوع دانه تسبیح، دانه گلی بود که همراه مهر نماز در جانماز می‌گذاشتند.

تجزیه‌خوان

تجزیه‌خوان یا شبیه‌خوان به کسی می‌گفتند که در ایام عزاداری و بیشتر در دهه اول محرم با پوشیدن لباس عربی، زره و کلاه خود و برداشتن شمشیر و کمان با دسته‌های سینّه‌زنی همراه می‌شد و آن قدر روایت‌های صحرایی کر بلا را تصویرگری و مرثیه‌سرایی همراه می‌کرد که اشک همه را درمی‌آورد. نوع دیگر تجزیه‌خوانی، پرده‌گردانی بود. افراد شاغل در این حرفه بدون پوشش خاصی، تنها با یک پرده نقاشی خیلی بزرگ که یک زنجیر متحرک هم داشت، شروع به مرثیه‌خوانی می‌کردند.

جامه‌دار

در دوره قاجار، کل مشهد چهار محله بزرگ و چهل حمام داشت و پایین خیابان به دلیل وجود کسبه و رفت‌وآمد زائران که غسل زیارت می‌کردند، بیشترین تعداد حمام را داشت. یکی از مشاغل مهم در حمام‌ها، جامه‌دار بود؛ کسی که در سرپینه حمام، لباس و وسایل مشتری‌ها را نگاهداری می‌کرد و از همه کارکنان حمام، خوش‌برخوردتر بود. او قبل و بعد از استحمام با لنگ خشک، مشتری را همراهی می‌کرد.